

روز شمار انتخابات

تسلط روحیه محافظه‌کاری بر اتاق در دولت احمدی نژاد

مهدی پور قاضی*

● با توجه به اینکه در آستانه انتخابات دوره هشتم اتاق بازرگانی قرار داریم، بیشترین انتقاداتی که به عملکرد اتاق در دوره گذشته وارد می‌شود، در رابطه با نحوه مدیریت اتاق است. به عقیده من اتاق، رسالت خود را به‌ویژه در دوره دولت‌های نهم و دهم انجام نداد. مصائب و تصمیم‌های نادرست اقتصادی در آن دوره، عکس‌العمل بسیار اندکی را در میان اعضا درپی داشت. درواقع روحیه محافظه‌کاری بر اتاق مسلط بود که مایل نبود در مقابل دولت موضع بگیرد و خواستار تغییر تصمیم‌های نادرست باشد. از لحاظ ساختار داخلی اتاق نیز به‌نظر می‌رسد اتاق باید از ریس‌محوری و فردمحوری به تدریج فاصله بگیرد و نقش کمیسیون‌ها را بیشتر کند تا بتواند سخنگوی واقعی بخش خصوصی باشد و خواسته‌های آنها را با همکاری دولت و مجلس تحقق بخشد. از سویی تشکل‌های اقتصادی، براساس ماده ۷ قانون توسعه فضای کسب‌وکار باید ساماندهی شوند و تفاوتی نمی‌کند که این تشکل‌ها زیرمجموعه کدام نهاد باشند، اما اینکه در چند مجموعه مختلف موازی‌کاری‌هایی انجام شود، مناسب نیست و تشکل‌ها از این روند آسیب خواهند دید و به خواسته‌های خود دست نمی‌یابند. در اتاق ایران، روند مناسبی برای ساماندهی وجود دارد که می‌توان به انجمن‌ها، انجمن‌های ملی، فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌ها اشاره کرد که به‌صورت هرمی این تشکل‌ها در کنار یکدیگر قرار دارند و هم‌افزایی لازم در این راستا انجام می‌شود. از آغاز به کار دولت یازدهم به این‌سو، بخش خصوصی انتظار بهبود فضای کسب‌وکار را از سوی این دولت داشت، اما این دولت مطابق قانون موظف بوده تا بارانه بخش تولید را بپردازد که به سبب کمبود منابع تاکنون این امر محقق نشده است و به‌نظر می‌رسد، نه تا پایان سال و نه در سال آینده که پنج‌درصد در بودجهٔ ۹۴ برای آن درنظر گرفته شده، این امر به‌ثمر برسد. به همین جهت دولت باید خود را کوچک کرده و تصدی‌گری‌های خود را کنار بگذارد. این کشور نیازی به دولتی فربه و کند ندارد، بلکه نیاز اقتصاد ایران دولتی کوچک و چابک است که به‌رودوری لازم را داشته باشد. در حال حاضر ۶۶درصد از بودجه سال‌جاری صرف پرداخت حقوق کارکنان دولت شده که رقم بسیار بزرگی است و قطعا به اقتصاد کشور آسیب خواهد رساند. از سویی درخصوص بخش صنعت، وزارت صنعت، معدن و تجارت نتوانسته به‌درستی به وظایف خود عمل کند. به‌ویژه آنکه بارانه بخش صنعت، یک قانون است و باید به آن عمل شود. نقد دیگری که می‌توان به عملکرد دولت در این بخش داشت، به نبود استراتژی روشنی در این زمینه بازمی‌گردد. روشن نیست که دولت چگونه می‌خواهد رفتار کند و صنایع در مقابل رفتارهای احتمالی دولت چه باید کند و این روشن نبودن برنامه‌ها سبب می‌شود که هرچندوقت یک بار با تصمیمات جدیدی در دولت روبه‌رو شویم که برخی مناسب بوده‌اند و برخی مناسب نیستند. همچنین دولت موظف بوده در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی با تشکل‌ها هماهنگی کند و این امر اجرایی نشده است. هرچند مجموعه مشاورینی از سویی بخش خصوصی در نظر گرفته شده است، اما این ارتباطات سیستماتیک نیست و این احتمال وجود دارد که نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌ها دخیل نباشد.

●**فایربیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی تهران**

خبر

یک‌سوم کارمندان دولت مازاد هستند

● **تسنیم:** نایب‌رییس مجلس گفت: یک‌سوم کارمندان دولت مازاد هستند که دولت توان رسیدگی و پرداخت حقوق و مزایا به همه آنها را ندارد.

محمدرضا باهنر در جمع مردم مهدی‌شهر در مسجد امام علی این شهر اظهار کرد: هم‌کنون سه‌میلیون کارمند در دستگاه‌های دولتی کشور مشغول به کار هستند که یک میلیون نفر آنها مازاد هستند. وی افزود: با این شرایط دولت نمی‌تواند رسیدگی‌های لازم را به همه این کارمندان انجام دهد.

وی با اشاره به اینکه امروز تنها ۳۰درصد از بودجه کشور به نفت وابسته است، افزود: مجلس به‌دنبال این است که بودجه کل کشور در سال‌های آینده به‌طور کامل غنی‌تر شود.

نایب‌رییس مجلس شورای اسلامی با اشاره به کیفیت پایین تولیدات شرکت‌های خودروسازی، از کیفیت پایین این خودروها انتقاد کرد.
به‌نظر با اشاره به گذشت ۳۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و لزوم توجه به توسعه صنعت خودروسازی کشور، وضعیت موجود خودروسازی کشور را ناعطوب ارزپایی و تصریح کرد: در این شرایط، روند تولید خودرو نباید به‌صورت فعلی باشد.

حیب آفرین:میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی در درسگفتارهای کلژدوفرانس

خود به تبیین مفصل‌بندی دولت‌های جدید تحت تاثیر عقلانیت بازار می‌پردازد. وی در اثر تبارشناسانه خود که در واقع به مطالعه قدرت می‌پردازد، نشان می‌دهد بازار مدرن قرن۱۸ به مفهوم وسیع خود چگونه به محل ساخت حقیقت تبدیل شده است. این بازار دیگر محل عدالت نیست، بلکه محل قانونمندی است. فوکو در فرارهایی از پژوهش گفتمانی خود به شکل‌مندی ساختارهای حقوقی و قوانین تحت تاثیر استعاره بازار و گفتمان روشنگری می‌پردازد. البته فوکو اولین نفری نیست که رابطه بسط و پیچیده میان حقوق و اقتصاد را مورد پژوهش قرار می‌دهد. توجه به رابطه حقوق ولی این مطالعات دچار تحولات عمده‌ای شده است، به‌خصوص مطالعه حقوق و اقتصاد از دهه ۱۹۶۰میلادی با انتشار مقاله رنالد کاوز وارد مرحله جدیدی شد و از این تاریخ عملا رشته مطالعاتی جدیدی با عنوان تحلیل اقتصادی حقوق یا حقوق و اقتصاد به وجود آمده و مطالعات وسیعی توسط حقوق‌دانان و اقتصاددانان در این‌باره صورت گرفته است. نکته اساسی حقوق و اقتصاد جدید در ورود عامل به‌رودری و کارایی اقتصادی در شکل‌دادن به قواعد حقوقی است. در واقع، برخلاف حقوق سنتی که قواعد حقوقی را در چارچوب و برای تأمین «عدالت و انصاف» می‌دید، حقوق و اقتصاد، کارایی اقتصادی را به عنوان هدف و پارامتر اصلی قواعد حقوقی در نظر می‌گیرد و تحلیل‌های خود از قواعد حقوقی را بر اساس میزان کارایی ترسیم می‌کند و پیشنهاد ایجاد یا اصلاح قواعد حقوقی را برای نیل به کارایی بیشتر ارائه می‌کند. نسبت میان حقوق و اقتصاد در ایران عنوان موضوعی است که با ضیاالدین خرمشاهی با آن به گفت‌وگو نشست‌ایم. خرمشاهی که هم‌اکنون رییس کمیسیون حقوقی، قضایی اتاق بازرگانی ایران است، مدارک دکترای حقوق خصوصی و دکترای علوم اقتصادی را در کارنامه خود دارد. او معتقد است تراکم قوانین به عنوان یکی از موانع توسعه کسب و کار، بر اقتصاد ایران بار شده است و تأکید می‌کند قانون‌نویسی در طول تاریخ خود در ایران بی‌توجه به منافع ملی و رویکردهای اقتصادی و براساس نگاهی موضعی تنظیم شده است؛ این آشفتگی موجب شده حقوق نتواند به‌عنوان یک سیستم نقش موثر خود را در اقتصاد ایفا کند. مشروح این مصاحبه را در زیر می‌خوانید:

● میان حقوق و اقتصاد چه ارتباطی وجود دارد؟ شما چگونه به این نسبت نگاه می‌کنید؟

ارتباط میان حقوق و اقتصاد از منظر منطق یک رابطه عموم و خصوص است. پیوندی ناگسستنی میان این دووجود دارد. در گذشته‌ها نه‌چندان دور دانشکده حقوق و اقتصاد یک دانشکده واحد بودند. به مرور زمان با تخصصی‌تر شدن هریک از این دوعلم، به ظاهر فاصله‌ای میان این‌دو افتاد در حالی که این فاصله هیچ‌گاه عمیق نبوده است. درواقع هیچ‌گاه نتوانست به یک شکاف و انشکاک منتهی شود. ظاهرا حقوق نیازی به اقتصاد ندارد اما یک نظام اقتصادی بویا ناگزیر به تکیه بر یک سیستم حقوقی منسجم و پویاست، یعنی اگر حقوق را به‌عنوان مجموعه مقرراتی بدانیم که به‌منظور ایجاد نظم در جامعه تدوین می‌شود و اقتصاد را علم معاش بدانیم؛ این علم معاش در بستر نظمی که حقوق فراهم کرده است، امکان ظهور و بروز خواهد داشت. اگر نظم را از جهات مختلف بررسی کنیم، یکی از تجلیات نظم یک اقتصاد سالم است. این ارتباطی که میان اقتصاد و حقوق است، تقریباً میان حقوق و دیگر علوم وجود دارد، اما این پیوند متفاوت است، ما در هیچ جامعه‌ای نمی‌توانیم یک اقتصاد سالم بدون تکیه‌گاه‌های قانونی و حقوقی بیابیم. سلامت اقتصاد و مکانیسم‌های اقتصادی زمانی عنیت پیدا می‌کند که تکیه‌گاه‌های قانونی داشته باشند. امروز هراه که بحث فساد اقتصادی مطرح می‌شود، با ضعف قانون در آن قسمت ملازمه پیدا می‌کند. در نهایت به این پاسخ می‌رسیم که قانون یا حقوق یا اجرای قانون را به ضعیف بوده که این فساد رخ داده است. اگر شاخه‌ها یا زیرشاخه‌های اقتصادی را در نظر بگیریم، همین الزام ضرورت پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال بانکداری را در نظر بگیرید. اگر بانکداری همراه و توأم با یک مکانیسم صحیح و دقیق حقوقی نباشد، اتفاقی رخ می‌دهد که هم‌اکنون شاهد آن هستیم. البته تأکید بر سیستم حقوقی به معنی بکیروبیندها پلیسی نیست. حقوق برای اجرای خودش ده‌ها ابزار و راه دارد که تنها در یک قسمت منتهی به امور موسوم به پلیسی می‌شود.

● **کاربری از تحلیلگران باور دارند که ابزارهای بازدارنده حقوق می‌تواند به مانعی برای شکل‌گیری اقتصاد رقابتی و اقتصاد بازار شود، شما با این تفسیر موافقت؟**

خیر، این دید کاملاً اشتباه است. حقوق دارای مکانیسم‌هایی بازدارنده است و نمی‌توان حقوق را به ابزارها تقلیل داد. حقوق می‌تواند نظام‌های کنترلی را خلق و ایجاد کند. در ابتدای امر باید به نظام‌های کنترلی و مدیریتی در حقوق نگاه کرد. ابزارهای پلیسی در واقع آخرین ابزارهای حقوقی است. در صورتی که فردی بدون پشتوانه علمی صحیح و تجربه کافی را در مسند مدیریت یکی از ششون بانکی بگماریم، درواقع فضایی را ایجاد کرده‌ایم که آسیب ببینیم. این مکانیسم صحیح حقوقی طیفی گسترده و از صفر تا صد است. باید در همان ابتدا ورودی این مکانیسم را صحیح طراحی کنیم.

● **با این تفاسیر، شما به حقوق به‌عنوان یک ساختار نگاه می‌کنید!**

دقیقا! حقوق تنها ابزار نیست! حقوق یک ساختار کلی را شکل می‌دهد. در نتیجه نمی‌توان ارتباط حقوق و اقتصاد را ارتباطی ساده و ظاهری دید. بلکه به‌لحاظ منطقی اینها رابطه‌ای عموم و خصوص دارند، گاهی یکی از آنها اعم است و گاهی آن دیگری اخص. اما باید به صورت ریشه‌ای به آن‌دو نگاه کنیم.

● **کاربری از اقتصاددانان نهادگرا معتقدند نهادهای حقوقی می‌توانند به یکی از موانع توسعه اقتصادی یا به تعبیری کارکرد موفق بازار بدل شوند. آیا در ایران نهادهای و قواعد حقوقی مانعی برای توسعه اقتصادی است؟**
بله، این موانع وجود دارد که در بستر محیط کسب‌وکار ایران به‌وجود آمده است. یکی از موانع اصلی رشد و توسعه اقتصاد ما تراکم بیش از حد قوانین است. آنقدر قانون و مقررات و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها در این حوزه وجود دارد که باعث کندی حرکت و رشد اقتصادی در کشور شده است. طنز ماجرا اینجاست زمانی که می‌خواهیم قوانین را در جهت چابکی بازار اقتصاد اصلاح کنیم، بازهم قانون وضع می‌کنیم. این دقیقاً مصداق همان آدم چاقی است که به پزشک تغذیه مراجعه کرده و از دکتر می‌پرسد من چه‌چیزی بخورم تا لاغر شوم! در حالی که باید پرسد چه‌چیزی نخورم تا لاغر شوم! در ایران زمانی که بخواهیم چابک‌سازی کنیم، به وضع دوباره قانون دست می‌زنیم. به‌عنوان مثال می‌توان به قوانین اخیر به نام قانون رفع موانع تولید، قانون رونق بخشی به کسب و کار، قانون حمایت از تولیدکننده و مانند آن اشاره کرد. تراکم قوانین در ایران فاجعه است، در کل کشور بیش از ۱۲هزارقانون فعال و بیش از ۱۸هزارآیین‌نامه داریم، یعنی بیش از ۳۰هزارقانون و آیین‌نامه در حوزه‌های مختلف حقوقی وجود دارد. تراکم این قوانین، موانع و دست‌اندازه‌ای زیادی را برای اقتصاد و دیگر حوزه‌ها ایجاد

اقتصاد

رییس کمیسیون حقوقی قضایی اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگوبا «شرق»:

ما با فاجعه تراکم قوانین در اقتصاد مواجهیم

طنز ماجرا اینجاست زمانی که می‌خواهیم قوانین را در جهت چابکی بازار و اقتصاد اصلاح کنیم، بازهم قانون وضع می‌کنیم



می‌کند این در حالی است که بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا با کمتر از ۵۰۰قانون روبه می‌شوند. این موضوع بسیار قابل‌تأمل است. بسیاری از قوانینی که ما از ۸۰سال پیش داشته‌ایم همچنان نسخ نشده است؛ این قوانین به‌شدت دست‌وپاگیر است. در کنار اینها، آن مواردی که باید داشته باشیم را نداریم. کشور ما از این حیث مانند یک سمساری است که وسایل فراوانی در آن ریخته شده که بعضی از کالاها و وسایل در آنجا تلنبار شده، اما برخی از کالا‌های ضروری را ندارد. در این شرایط این واقعیت وجود دارد که حقوق برای بازار دست‌وپاگیر شده است. به اعتقاد من کشور ما نیاز به یک‌نهضت مقررات‌زایی دارد. کشور نیازمند یک انقلاب پایش قوانین و مقررات در تمامی حوزه‌هاست. این نهضت باید با یک اراده قوی فراقانونی آغاز شود، یعنی شروع این حرکت باید توسط شخص مقام‌معهظم‌رهبری باشد. امیدوارم روزی ایشان فرمانی را صادر کنند مبنی‌بر اینکه قوای سه‌گانه مکلف شوند که هرکدام در حوزه خودشان قوانین زاید را شناسایی و حذف کنند. به‌هزرتب باید بار قانونی کشور سبک شود. اگر امروز بازار ما توانایی حرکت ندارد، یکی از دلایل آن سنگینی قوانینی است که بر این ارابه حمل و تحمیل شده است، باید بازار را سبک کنیم تا بتواند نفس بگیرد. به‌جز تراکم قوانین، ما قوانینی داریم که برای یکدیگر دچار تازحم کرده‌اند. به‌عنوان مثال، ما قانون مجازات داریم، اما در قوانین مالیاتی نیز قوانین یکفری دیده می‌شود. با وجود این‌همه قوانین تلنبارشده، ما با مسایل فراقانونی نیز مواجهیم. به‌عنوان مثال یکی از انواع مجازات‌های موجود ممنوع‌الخروج‌کردن است. ممنوع‌الخروجی یکی از انواع محرومیت اجتماعی است و نوعی از مجازات است. تعیین مجازات، شأن قضایی دارد و باید یک قاضی مجازات را تعیین کند، اما در برخی از قوانین ما دیده شده که اداره دارایی می‌تواند به‌لحاظ طلب مالیاتی، نامه‌ای به دادستانی ارسال کند و دادستانی بلافاصله همان نامه را تأیید و شخص را ممنوع‌الخروج کند. همین مثالی که عرض کردم می‌تواند تأثیری منفی در چالاکي بازار داشته باشد. یکی از تدبیرهایی که دولت تدبیر و امید می‌تواند به کار ببندد، پالایش قوانین و مقررات تلنبارشده است. در حال حاضر قوانین متعددی بر محیط کسب‌وکار ما به‌دین قانون امور صنعتی، قانون مالیاتی، قانون تأمین‌اجتماعی، قانون کار، قوانین نیروی انتظامی و... حاکم و تحمیل شده است باید قانونی چابک و جهانی شده را به فعالان اقتصادی ارایه داد که با لحاظ تمامی الزامات، محیط کسب‌وکار مناسبی ایجاد شود. یکی از مسایل بدیهی در علم حقوق این است زمانی که می‌خواهید قانون جدیدی را وضع کنید، باید تکلیف قوانین قبلی را روشن کنید همین موضوع باعث سردرگمی فعالان اقتصادی و تازحم و تناقض قوانین با یکدیگر شده است.

● **تراکم قوانین در ایران فاجعه است! در کل کشور بیش از ۱۲هزارقانون فعال و بیش از ۱۸هزارآیین‌نامه داریم، یعنی بیش از ۳۰هزارقانون و آیین‌نامه در حوزه‌های مختلف حقوقی وجود دارد. تراکم این قوانین، موانع و دست‌اندا‌های زیادی را برای اقتصاد و دیگر حوزه‌ها ایجاد می‌کند**

● **حقوق و به‌طور مشخص تر حقوق تجاری به‌شدت تحت تاثیر فضا و تحولات قرن ۱۸ اروپا بود، با گسترش و تحول سطوح اقتصادی و تجاری اروپا و همزمان با تحولاتی که در تمام سطوح فکری و فلسفی اروپا ایجاد شد، به‌نظر می‌رسد تمامی سطوح ساختارهای موجود تحت تاثیر این گفتمان قرار گرفت. حقوق نیز تحت تاثیر عقلانیت بازار و تحولات پیش آمده، خود را سامان داد. چگونه می‌توان مفصل‌بندی این فرآیند را توضیح داد؟**

میان عقلانیت بازار و حقوق رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. از دیرباز اروپای قرن ۱۸ از حیث قانون‌گذاری و قانون‌نویسی الگو بوده است. من به‌شخصه به سیستم قانون‌نویسی اروپا در قرن ۱۸تعلق خاطر دارم. در آن زمان، پارادایمی که ایجاد شده بود، کمک به اقتصاد و روان‌شدن فعالیت اقتصادی بود. قوانینی که در حال وضع‌شدن بود، تحت تاثیر این نگاه شکل می‌گرفت. البته باید توجه داشت که مقتضیات آن زمان با اقتضاتات زمان حاضر متفاوت است. حتی در آن زمان حجم و میزان تبادل تجاری کشورهای اروپایی محدود و ابزارها و مبادلات تجاری اندک بود. با این وجود، ساختارهای سیاسی و حقوقی در این کشورها تمام تلاش خود را می‌کردند که حداکثر استفاده را از این اقتصاد ضعیف، البته به تعبیر امروز داشته باشند. این نگاه همچنان وجود دارد و کاملاً متأثر از در نظرداشتن منافع ملی است. اقتصاد یکی از بزرگ‌ترین منابع تأمین منافع ملی یک‌کشور است. در شرایطی که مفهوم منافع ملی به روشنی تعریف نشده است و با موارد بی‌ارتباط با آن درگیر شده باشد، قانون‌گذار نیز دچار ابهام خواهد شد. به طور مشخص پس از قرن۱۹هجرت قانون‌گذار در این کشورها تمام تلاش خود را می‌کردند که حداکثر منافع همان غرب همواره با نگاهی به منافع ملی انجام شده، اما در ایران و در طول تاریخ قانون‌گذاری، حجم قابل‌تأملی از قوانین ما مصداقی وضع شده است.

● **مصداقی وضع‌شدن قوانین به چه معنی است؟**

یعنی قانون بر اثر یک واکنش وضع شده است یا قانون‌گذار نسبت به آن سمپاتی داشته است. به‌عنوان مثال یک جریان سیاسی و یک تفکر در مجلس قانون‌گذاری ایجاد شده و برای تقویت بنیان‌های خود قوانینی را وضع کرده است. چند سال بعد، جریان دیگری به قدرت رسیده و قانون دیگری را وضع کرده است. تا زمانی که قانون‌گذاری ما با لحاظ منفعت عمومی صورت نگیرد و وضع قانون با نگاهی اقتصادگرایانه و به‌نفع عموم نباشد، ما به سرنمزل

نگاه

سایه‌گروه‌بندی‌های انتخاباتی بر اتاق تهران

حسین حوق

● با پایان یافتن مهلت ثبت‌نام نامزدهای انتخاباتی اتاق، طرح این سوال شاید مفید باشد که آیا وجود گروه‌ها و ائتلاف‌ها و... برای حضور در انتخابات اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران و شهرستان‌ها امری مثبت و مفید و درجهت تحقق اهداف این نهاد اصلی بخش خصوصی کشور است یا آنکه این دسته‌بندی‌ها و گروه‌گروه‌شدن‌ها سبب تضعیف این نهاد می‌شود؟ در نگاه اول این‌طور به‌نظر می‌رسد که این دسته‌بندی‌ها طبیعت و سرشت هر «انتخاباتی» است، چراکه به‌هرحال در هر نهادی اشتراک و اختلاف منافع وجود دارد و طبعاً حول این اشتراک و اختلاف منافع افرادی گرد هم می‌آیند و گروه‌ها شکل می‌گیرند و... اما به‌نظر می‌رسد این روند طبیعی انتخابات «اتاق‌ها» نیست و با اهداف و کارکردهای آنها تاحدودی درتضاد است:
۱- طبق مواد۱۶و۱۷قانون تشکیل اتاق، این نهاد «موسسه‌ای غیرانتفاعی» است که به‌منظور «کمک به فراهم‌آوردن موجبات رشد و توسعه اقتصاد کشور، تبادل‌افکار و بیان آرا و عقاید مدیران صنعتی، معدنی، کشاورزی و بازرگانی» تأسیس شده است. براین‌اساس اتاق، نهادی سودآور و تولیدکننده منفعت اقتصادی درمعنای یک موسسه انتفاعی، یا بنگاه اقتصادی و یا نهادهی سیاسی (مجلس، ریاست‌جمهوری، شوراها و...) نیست، بلکه مرکزی است برای تبادل‌افکار و بیان آرا به‌منظور رشد و توسعه اقتصادی کشور. بنابراین به‌نظر می‌رسد این دسته‌دسته‌شدن‌ها در درون یک‌نهادی که می‌توان آن را نهادهی مدنی نامید درتضاد با حفظ و ارتقای منافع مشترک و همگانی اعضا در اقتصاد کلان کشور است.

۲- تشکیل دسته و گروه و ائتلاف در درون چنین ساختار «غیرانتفاعی» خودبه‌خود پای جریانات و نیروهای سیاسی و منفعی را به انتخابات اتاق باز می‌کند و سبب آن آسیبی می‌شود که همه گروه‌های انتخاباتی در بیانیه‌های خود از آن حذر داده‌اند، یعنی «سیاسی‌شدن» اتاق. به‌هرحال براساس آموزه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، گروه‌ها و نیروهای اجتماعی به‌صورت تصادفی ایجاد نمی‌شوند، بلکه مبتنی‌بر علایق گوناگون و منافع متفاوت تأسیس می‌شوند. بنابراین این دسته‌بندی‌ها خواه‌ناخواه پای سبایسون و منفعت‌طلبان را به انتخابات اتاق باز می‌کند.

۳- در انتخابات حاضر با گروه‌هایی با نام‌های متفاوت، اما با شباهت بسیار با یکدیگر در اهداف و خواسته‌ها مواجهیم که تنها تفاوت آنها در افراد شاخص هر گروه و دسته است. چنان‌که در نظرات تمامی گروه‌ها و ائتلاف‌های انتخاباتی اتاق به مواردی همچون: خدمت بیشتر و بهتر به اعضا، استقلال از دولت در عین همکاری با آن، کاهش بوروکراسی و دیوان‌سالاری، حضور نیروها و ایده‌های جوان و نو، قانون‌مدنی و قانونمداری در اداره‌کردن اتاق، افزایش مشارکت اعضا، افزایش اطلاعات و آگاهی اعضا و جامعه از مسایل اطلاعاتی و... برمی‌خیزد. براین‌اساس آیا جز این است که آنچه در این دسته‌بندی‌ها و گروه‌گرایی‌ها واقعیت دارد، افرادی‌اند که در راس هریک از این گروه‌ها بوده و می‌توانند صرف‌نظر از دسته و گروه خود نیز، افرادی شاخص برای تحقق اهداف اتاق باشند؟

۴- مهم‌ترین اسبابی که از محل این گروه‌گروه‌شدن‌ها به اتاق وارد می‌شود آن است که با پایان انتخابات و غلبه بیشتر یک‌گروه بر سایر گروه‌ها، این خطر وجود دارد که پست‌های مدیریتی و نیز حوزه‌های مسوولیت اتاق عمدتاً به یاران جریان غالب واگذار شود. از سویی دیگر این رویه، می‌تواند بی‌تفاوتی و کم‌الت‌ری افرادی، که خود را در انتخابات بازنده احساس می‌کنند، برای همکاری در فعالیت‌های اتاق به دنبال داشته باشد.

براین اساس به‌نظر می‌رسد راهبرد درست در انتخابات اتاق، حضور افراد به صفت فردی و براساس دانش و تجربه هر فرد و بدون‌دسته‌بندی و گروه‌گرایی است. چراکه در هریک از دسته‌ها و گروه‌های شکل‌گرفته در‌حال‌حاضر، افراد شایسته‌ای برای اداره اتاق وجود دارند که این تقسیم‌بندی‌ها و هیجانی‌شدن امر «انتخابات» راه را بر گزینش این شایستگان می‌بندد.

گذر

افزایش ۹۵سنتی سبد نفتی اوپک

● **فارس:** قیمت سبد نفتی اوپک با افزایش ۹۵سنتی، بشکه‌ای ۴۴/۸۳دلار به فروش رفت و به ۴۵دلار نزدیک شد. سازمان کنوگرهای تولیدکننده و صادرکننده نفت اوپک، در آخرین به‌روزرسانی سایت خود اعلام کرد، هر بشکه سبد نفتی این سازمان، روز جمعه با افزایش ۹۵سنتی نسبت به‌روز پنجشنبه ۴۴/۸۳دلار فروخته شد. این میزان بالاترین قیمت در ۳۱روز گذشته به‌شمار می‌رود. نفت اوپک روز چهارشنبه بالاترین قیمت در ۱۷روز پیش از آن برابر با ۴۴/۸ دلار ثبت کرد که نسبت به روز سه‌شنبه ۸۴سنت افزایش یافته بود.
کمترین قیمت این نوع نفت طی یک‌سال گذشته، در ۱۳ژانویه ۱۷/۵۰ دلار در بشکه رقم خورده است. کمترین قیمت نفت اوپک در سال ۲۰۱۴ برابر با ۵۲دلار بوده است.